نسیم جنوب

www
nasimjonoub
.COM

سال بیست و ششم – شماره ۱۰۴۴
سه شنبه ۱۷ خرداد ۱۴۰۲ ۸ صفحه – ۵۰۰۰ تومان
(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق می‌گیرد)



زاهدی‌فر؛ سرمایه فرهنگی و ورزشی استان بوشهر

حسین روئین

حمله با سنگ به خانه داور دشتستانی دربی!

محمدحسین زاهدی‌فر:

بسیار سخن بود، نگفتم و گذشتم

مردم برازجان از داور شهرشان دلجویی کردند

هگل و تفکر انتقادی

پیشنهادی به اهالی فلسفه

ابراهیم مهدی زاده



شورش‌های دهقانی مناطق شبانکاره و زیراه در دوره پهلوی

پیشینه تاریخی شبانکاره و زیراه در استان بوشهر

دکتر حمیداسدپور



گورستان ارزشمند تاریخی شغاب در بندر بوشهر

سیما زنگویی



نگاهی کوتاه به فیلم سینمایی «برادران لیلا»

سر به زیر در نقد، سربلند در تفسیر

مهدی غضنفری



پیشرفت فیزیکی ۵۰ درصدی مهمترین جاده دسترسی به پسکرانه بوشهر

استاندار بوشهر گفت: جاده دسترسی جزیره نگین به عنوان مهمترین زیرساخت پسکرانه بندر بوشهر به طول ۹.۵ کیلومتر دارای پیشرفت فیزیکی ۵۰ درصدی است.

به گزارش ایرنا، احمد محمدی‌زاده در بررسی روند ساخت جاده دسترسی به مجتمع بندری نگین بوشهر اظهار کرد: با توجه به این که اقتصاد دریامحور یکی از مهمترین محورهای توسعه استان بوشهر بشمار می‌روند نیاز است که زیرساخت‌های بنادر نیز به شکل متوازنی توسعه یابد.

وی افزود: در استان بوشهر، بنادر نقش مهمی در تسریع روند توسعه و پیشرفت دارند که در دولت سیزدهم طرح‌های مهمی در زمینه ارتقا و بهبود شرایط زیرساخت‌های بندری تدوین و اجرایی شده است.

استاندار بوشهر تصریح کرد: مجتمع بندری نگین پسکرانه بندر بوشهر است که با تعریف طرح های مهم بندری، زیرساخت‌های آن نیز در حال تکمیل است.

محمدی‌زاده ادامه داد: یکی از مهمترین زیرساخت‌ها، جاده دسترسی جزیره نگین به محور مواصلاتی و بزرگراه بوشهر است که به طول ۹.۵ کیلومتر در دستور کار اداره کل بنادر و دریانوردی استان بوشهر قرار گرفته و دارای پیشرفت فیزیکی ۵۰ درصدی است.

وی ادامه داد: با تکمیل این محور، بزرگراه بوشهر به مجتمع بندری نگین دارای ۲ باند رفت و برگشت می‌شود که نقش مهمی در جلوگیری از تصادفات و حوادث و ایمنی تردد خودروها به ویژه کامیون‌های سنگین دارد.

اعتراض به تاریکی خیابان‌ها و معابر بندر بوشهر

عضو شورای شهر بوشهر گفت: در گذشته برای صرفه‌جویی در مصرف برق، روشنایی پایه‌های برق در معابر اصلی و کوچه ها یکی در میان روشن بود اما مدتی است که شاهد خاموشی کامل تعداد زیادی روشنایی پایه ها در اکثر خیابان‌های اصلی و معابر فرعی و کوچه ها هستیم.

به گزارش ایرنا، عبدالخالق برزگرزاده در نشست علنی شورای اسلامی شهر بوشهر با انتقاد از تاریکی خیابان‌ها و معابر این شهر، اظهار کرد: این خاموشی علاوه بر این‌که سیما و منظر شهری را نازیبا کرده باعث مشکلات زیادی برای شهروندان شده و زمینه بروز حوادث، سوانح و کاهش احساس امنیت شهروندان ایجاد کرده است.

وی افزود: انتظار می‌رود با لحاظ نیاز به صرفه‌جویی انرژی برق، در معابر و خیابان‌هایی که می تواند بستر ایجاد یک حادثه شود موضوع برق‌دار کردن این معابر مورد توجه شرکت توزیع برق استان قرار گیرد.

عضو شورای اسلامی شهر بوشهر با اشاره به فرارسیدن فصل گرم و موضوع استفاده از دریا برای شهروندان، گفت: با گرم شدن هوا موضوع احداث پلاژ آقایان طی چندین سال گذشته مطرح شده اما تاکنون عملیاتی نشده است که نیاز است بله شکل موقت با سازه های دریایی متحرک یک پلاژ اختصاصی آقایان ایجاد شود تا شهروندان به راحتی و بدون مشکل بتوانند از دریا استفاده کنند.

برزگرزاده با انتقاد از فعالیت خدمات شهری توسط شهرداری بندر بوشهر بیان کرد: نباید تمرکز بر اجرای یک طرح مانند گذر سرتل به تنگک سبب تعطیلی سایر طرح‌های عمران شهری شود.

وی بیان کرد: کندی اجرای برخی طرح‌های عمران شهری از جمله آسفالت معابر سبب گلایه و نارضایتی شهروندان بوشهری شده است.

۲۶ خانواده بخشنده محکومان به قصاص در استان بوشهر تجلیل شدند

مدیرکل زندان‌ها و اقدامات تامینی و تربیتی استان بوشهر گفت: هم‌زمان با سالروز ولادت امام رضا (ع) و آخرین روز از گرامیداشت دهه کرامت با حضور خادمان آستان قدس رضوی از ۲۶ خانواده‌ای که پارسال و امسال از خون عزیزان خود گذشتند و موجب رهایی محکومان به قصاص نفس از چوبه‌دار در زندان‌های استان بوشهر شده بودند، تجلیل شد.

به گزارش ایرنا، سید محتشم حسینی در این آیین اظهار کرد: از این تعداد ۲۱ خانواده در سال گذشته و امسال نیز تاکنون پنج خانواده در استان بوشهر از حق قصاص و خون عزیز خود گذشته و به محکومان به قصاص زندگی دوباره‌ای بخشیدند.

با همکاری شورای حل اختلاف زندان‌ها، کمیته‌های صلح‌وسازش و مراجع قضایی، رضایت برخی از شاکیان و اولیاء دم گرفته شد.

۶۳ هزار نفر در بوشهر متقاضی مسکن شدند

ایسنا/بوشهر: راه و شهرسازی استان بوشهر با بیان اینکه تاکنون ۶۳ هزار و ۲۵۲ متقاضی طرح نهضت ملی مسکن در استان بوشهر اقدام به نام‌نویسی کرده‌اند، گفت: از این تعداد ۴۹ هزار و ۶۷۶ نفر واجد شرایط شناخته شدند.

سید محمود دستغیبی در جمع خبرنگاران افزود: در اجرای طرح ملی نهضت مسکن در استان بوشهر ۴۲ هزار و ۹۰۴ واحد مسکونی طی چهار سال احداث می‌شود.

وی تعداد متقاضیان حائز شرایط فعال برای تخصیص پروژه را ۱۵ هزار و ۹۲۰ نفر اعلام و تصریح کرد: تاکنون به ۴ هزار و ۶۹۹ نفر پروژه مسکن تخصیص یافته است.

دبیر شورای تأمین مسکن استان بوشهر از تأمین زمین برای ساخت ۳۲ هزار و ۸۰ واحد مسکونی خبر داد و بیان کرد: از تعداد متقاضیان ساخت مسکن تاکنون ۴ هزار و ۶۱۲ نفر نسبت به پرداخت مبلغ اولیه بالای ۴۰ میلیون تومان اقدام کرده‌اند.

دستغیبی با بیان اینکه تاکنون برای ساخت ۲ هزار و ۴۲۶ واحد مسکونی پروانه ساختمانی صادر شده است، تصریح کرد: در اجرایی شدن طرح جوانی جمعیت تاکنون ۲ هزار و ۶۴۷ نفر ثبت‌نام کرده‌اند که درخواست ۶۴۵ نفر مورد تأیید نهایی قرار گرفته و ۹۴۴ نفر هم در انتظار بررسی هستند.

وی با اشاره به تأمین ۶۴۴ واحد مسکونی برای متقاضیان طرح جوانی جمعیت ادامه داد: در طرح خود مالک ۴ هزار و ۵ نفر ثبت‌نام و بانک‌ها با ۹۶۷ نفر قرارداد منعقد کرده‌اند.

مدیرکل راه و شهرسازی استان بوشهر از ثبت‌نام یک‌هزار و ۸۵۲ نفر در سامانه دریافت زمین ویژه دارندگان ۳ فرزند و بیشتر در شهرهای استان خبر داد و گفت: بر اساس قانون جوانی جمعیت زمین برای ساخت مسکن به پدر و مادر دارای ۳ فرزند و بیشتر واگذار می‌شود.

بیانیه نظام‌پرستاری کنگان، دیر، جم و عسلویه
در خصوص تجمع گروه پرستاری بیمارستان نبی اکرم (ص) عسلویه:

مدافعین سلامت، بجای تقدیر و تشکر، مشمول کم لطفی و نامهربانی شده‌اند



در پی تجمع آرام، مسالمت آمیز و بدون هیچگونه هیجان و تنش همکاران گروه پرستاری‌مان در مورخ ۹ خرداد ماه ۱۴۰۲، احتراما به استحضار می رساند که این تجمع کاملا صنفی و در جهت مطالبه گری و احیای حق این ایثارگران و جان برکفان صورت گرفته است.

اما متاسفانه چطور میتوان باور کرد با مدافعین سلامتی که تاچندماه پیش، چشم امید مردم عزیز سرزمین مان ایران در مقابل ویروس منحوس کرونا بوده و بنا به فرموده ی مقام معظم رهبری، جامعه پرستاری در واقع به گردن همه ملت حق دارد، در این شرایط حساس و پس از خستگی طاقت فرسای جنگ با کرونا، بجای تقدیر و تشکر، مشمول کم لطفی و نامهربانی شوند.

سازمان تامین اجتماعی در زمان افتتاح و راه اندازی بیمارستان نبی اکرم (ص) عسلویه و بنا به شرایط استراتژیک، جغرافیایی و آب و هوایی، همکاران مان را با وعده های بسیار (شفاهی و کتبی) از شهرستان ها و استان های همجوار و غیرهمجوار به عسلویه کشاندند و پس از راه اندازی و هرسال و هر دوره و هر مسول به بهانه‌های مختلف، امتیازی از این عزیزان کسر نموده، تا آخرین بی مهری و کم لطفی با نامه ای توسط مدیریت محترم درمان تامین اجتماعی استان، با نامه ای مبنی بر حذف وعده ی غذایی برای پرسنل غیربومی و پانسیونی ساکن در عسلویه، خاطر پرسنل تامین اجتماعی عسلویه، مکدر و آزرده گردید.

هرچندکه از این قبیل نامه ها، در شان یک مدیر انقلابی و ولایی که خود از بدنه ی درمان استان می باشد، نیست و انتظار می رود کاملا هوشمندانه و با درایت به مشکلات جامعه ی پرستاری تامین اجتماعی عسلویه با توجه به شرایط خاص این منطقه، رسیدگی کرده و با کاهش تنش بین همکاران سعی در برطرف نمودن دغدغه های پرسنل خدوم و زحمتکش در راستای انگیزه کاری بیشتر، ارتقا سطح توانمندی و خدمات با کیفیت به مردم منطقه نماید.

اما آخر تا کی صبوری؟! تاکی باید از حجب و حیا و نجابت جامعه ی پرستاری سواستفاده کرد؟! واقعا چطور میشود این اتفاقات در استان و علی الخصوص شهرستان عسلویه که عنوان زرخیری به یدک می کشد را باور کرد! چراکه شهرستان عسلویه با هیچ جای کشور و استان قابل قیاس نیست.

ما همه نیک می دانیم که جامعه ی پرستاری سهم بسزایی در درمان و آلام بیماران داشته و نباید این دغدغه ها، خللی بر کار آنان وارد نماید، کما اینکه وارد نشده و در دوران کرونا، این سربازان گمنام، جان خود را در کف دست گذاشته و برای سلامتی مردم که سرمایه های اصلی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران هستند، جنگیدند و چقدر هم خوش درخشیدند و بیش از پیش وفاداری خود را تائید و ثابت نمودند و اینجا می طلبد که مسولین نیز بفکر برطرف کردن دغدغه های و مطالبات برحق آنها باشند و سخنان گهربار و شریف مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۴۰۰/۹/۲۱ در دیدار با پرستاران و خانواده شهدای سلامت؛ اگر جامعه پرستاری تقویت نشود، در بزنگاه ها ضربه خواهیم خورد، مصداق و موید همین امر است.

این مهم، تنها یک موضوع صنفی نیست که نظام پرستاری بیانیه دهد بلکه یک موضوع استانی-ملی است که باید ارگان ها و سازمان های مرتبط، جهت خدشه دار کردن شان، منزلت و جایگاه جامعه ی پرستاری که همواره در جهت حفظ منافع ملی و آرمان های نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران از هیچ تلاشی فروگذار نکرده اند، ورود کنند.

لذا نظام پرستاری کنگان، دیر، جم و عسلویه ضمن دفاع از مطالبه گری برحق همکاران مان در عسلویه، از دولتمردان ولایی، انقلابی و جهادی اعم از استاندار محترم و فرماندار محترم شهرستان عسلویه و سایر سازمان ها و نهادهای مرتبط، خواهشمند است اقدامات لازم در خصوص بررسی کارشناسی و دقیق مطالبات برحق جامعه پرستاری تامین اجتماعی عسلویه با مدیریت محترم درمان تامین اجتماعی استان به عمل آورده تا خرسندی و رضایت مندی این جان برکفان با آسودگی خاطر، قدرت و انگیزه ی مضاعف شاهد باشیم.

هیات مدیره نظام‌پرستاری شهرستان های کنگان، دیر، جم و عسلویه

به یاد دختر کتاب، شادروان بهناز شریف‌پور بوشهری



گرامی می‌داریم ۱۴ خرداد دهمین سالگرد بدرود دختر کتاب، بهناز شریف پور بوشهری را، یاد ونام او همراه با آثار فرهنگی اش درخصوص تجهیز، ترویح، راه اندازی کتابخانه های بوشهر، وکتابخوانی برای همیشه مانا خواهد بود، نام او با تاثیرگذاران اهل فرهنگ نیک خواهد ماند.

مرثیه‌ای برای بهناز شریف پور

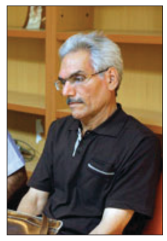
سوسن عباسی هرمزی

دوست عزیزی که فرشته کتابخانه ها بود، کتابداری آموخت؛ دانش شناسی، علم نشر همه دانش‌ها
به یاد دارم متانتش را و لبخندی که همیشه به همراه داشت و شجاعتش که ویژه او بود؛ هرگز زیر بار ناروا و نادرست نرفت
بهناز را از سالها پیش می شناسم
از دور و دیرها
از آن آشناهای دیرین که
با افق های روشن نسبت نزدیک و بهین داشت
بزرگ بود و از اهالی پسین های روشن و دلنشین
از بزرگان کتابداری دیروز
و با افق های دانش نسبت داشت
کوی دوستی را قدم زد
مهر و سخاوت را ورق زد
دانش و کتاب را می ستود
او پر از تکرار روشنی و طراوت باران بود
و او چون ناز شکوفه‌ها تبسمی بر لب داشت
از خاطر نخواهد رفت مرام و مسلک مردم‌داریش
همکلاسی نازنین!
خواب و خاک بر تو آرام باد
بهشت برین جایگاه تو باد
نام زیبایت جاوید و جاودان می‌ماند.

هگل و تفکر انتقادی

پیشنهادی به اهالی فلسفه

ابراهیم مهدی زاده



بازگشت به آراء و نظریات فلسفی هگل به منظور بررسی و تعمق بیشتر، اگر چه ضرورت و اولویت اول نیست، ولی در هرحال لازم است. اما، این بازگشت به اندیشه‌های فلسفی هگل، به دلیل شکست اندیشه های اجتماعی - طبقاتی و نه الزاما فلسفی مارکس، همان قدر واپسگرایانه است که اندیشه ی"ذات گرائی" ارسطو. آنانی که در حوزه ی فلسفه دستی بر آتش دارند، نقدهای مارکس بر آرای فلسفی هگل را هنوز دارای اعتبار علمی می‌دانند. شاید بخشی از نگاه در حوزه های دیالکتیک اولیه ی هگلی که مارکس نیز نسبت به بررسی آن تاکید داشت، باید حفظ شود و بخشی دیگر از قبیل تفکیک سوژه و ابژه، دیالتیک کل و جزء قابل تجدید نظر است. اما پذیرش همگی اندیشه های فلسفی هگل درخیلی حوزه ها قابل نقد و به نظر می‌رسد فراتر از مارکس باید به نقد آن نشست. پذیرش صددرصدی اندیشه‌های هگل، چه هگل جوان و چه هگل پیر، که امکان سوءاستفاده از آن شده و گاه می شود، نیز نباید نادیده گرفت. اندیشه های فلسفی هگل مثل خیلی از فلاسفه ی متقدم و متاخر قابل نقد، و رد یا قبول دانست. اما اگر دوستان مطرح کننده ی هگل، مراد از طرح دوباره ی او به منظور بازیهای زبانی به شیوه ویتگنشتاینی برای ایجاد امر شگفت زده گی خواننده است، خوب سخن دیگری است. اما اگر مراد اشاعه دوباره او به منظور طرح ایده های زیر بنائی آدورنو و ژیژک درمورد اولویت آبژه بر سوژه و پیوند تاریخ با حقیقت باشد، خوب؛ سخن دیگری است. اما سخن این است تا کی می خواهیم با ترجمه و بیان ایده ها و نقل مکان از این فیلسوف به آن فیلسوف راه را بر تولید اندیشه ی خودی ببندیم؟ یک روز هوکهایمر، والتر بنجامین روز دیگر آدورنو یا ژیژک یا مارکوزه و یا هایدگر. چرا همه منتقدین عصر روشنگری؟ اینان خود محصول عصر روشنگری و فضای دمکراتیک آن هستند یا خیر؟ برای ما عصر روشنگری هنوز پروژه ای ناتمام است. آیا بعد از گذشت هفتاد سال ازطرحهای اصحاب فرانکفورت، این اندیشه تعییر نکرده است؟ اعتبارعلمی و عمل کرد عملی آن درجوامع مبدا به کجا کشیده شده است؟ آیا ایده های ارتجاعی هگل مثلا در مورد اخلاق بورژوازی، اشراف و مالکیت، نژاد ژرمن، سلطنت، دوآلیسم، رای زنان ... قابل دفاع است؟ واژگونه نشان دادن ابژه و مفاهیم و دیالتیک منفی آدورنو همان اندیشه های ضد سیستم نیچه مگر نیست؟ مگر نگفته اند اندیشه های ژیژک "تا وقتی آرای لاکان و هگل را شرح می دهد قابل تحمل است" وبعد از آن چی؟ آیا منظور از "سیاه ترین کتاب بورواژی" دیالکتیک آدورنو نیست؟ تسلیم در مقابل ترجمه درحقیقت اگر نگوئیم به نوعی عقل منفعل را تداعی می کند، پس چیست؟ تشتت و تضارب آراء آن چنان وسیع وگسترده هست که اگر بخواهیم آنان را ترجمه و منتشرکنیم فقط تا دهه ی هفتاد میلادی قادر خواهیم بود ترجمه کنیم. حال آن که آن ایده ها آمده و از درجه ی اعتبار ساقط شده اند و ما هنوز مصرف کننده ی آن هستیم! دراین بازار آشفته که تضارب اندیشه مدام در حال طرد و مناقشه است، ما هر روز به سمتی می چرخیم که هیچ پیوند انضمامی با آن فضا نداریم. ما نیاز به تمرین تفکرانتقادی مستقل داریم بی آن که به آرای دیگران بی اعتناء و بی نیاز باشیم. مدرنیته درغرب مرتب و مدام از طریق تفکر انتقادی خود را بازسازی می کند. ما باید این را بفهمیم. تفکر کنشگر و مفهوم ساز نباید از بیان اندیشه های خود هراس داشته باشد که ممکن هست درجه ی خطای آن زیاد باشد. در شرایط فقدان مولفه های آکادمیک فلسفی، تکیه صرف بر ترجمه و مفهوم یابی با محوریت ترجمه در حقیقت تسلیم در برابر اندیشه و تفکر دیگران است. این یعنی سلب عقل فعال، که در حقیقت همان عقل منفعل است. به زبان دیگر، اتکاء به ترجمه، همان تعطیل عقل قدما، که خود منتقد آن هستیم، اگر نیست، پس چیست؟ آن هم برای آسیا که قرنها تعطیل عقل امری غیرقابل تشکیک بوده است.



متفکر شخصی است که با اشراف واحاطه بر مسائل کلی بشری و جامعه ای که در آن زیست می کند، ایده پرداز و مفهوم سازی کند. ممکن است این مفهوم سازی ضعیف، غیرعلمی و یا نزدیک به حقیقت نباشد. خوب، چه اتفاقی می افتد؟ متفکر دیگری آن آرا را کاملتر می کند. اما متفکر در سویه تفکر خود به پیرامون خود اندیشیده و آرای خود در میدان آزمایش مطرح نموده است. زیرا اوست که می داند، پاسخ نیازهای فلسفی پیرامون او چیست. پروژه سازی فرهنگی ادامه تفکر انتقادی است. اگر فلسفه در زبان بوجود می آید که سخن درستی است ، جایگاه اهل فلسفه در نقد ادبیات و هنر درکجاست؟ آیا نقد شعر و ادبیات داستانی یکی از ابزار تفکر انتقادی نیست؟ این را باید دیگر آموخته باشیم که باید با مطالعه، ترجمه و بررسی کلیه متون فلسفی، با پشتوانه فلاسفه ارسطوئی خودی امثال فارابی ... و تجربیات یک قرن اخیر خودمان وارد حوزه تفکر انتقادی شویم. البته نه از نوع "بازگشت به خویشتن" و یا آن گونه که دکترسید حسین نصر مثلا پیشنهاد می دهد بلکه فراتر از آن، باید شانه به شانه ی مدرنیته ی موجود جهانی با حفظ فاصله، مدام از طریق تفکر انتقادی خود را باز سازی کنیم تا از شتاب مدرنیته جهانی عقب نمانیم و هم با آگاهی از ضعف مدرنیته غرب و از عقل ابزاری آنان مصون بمانیم و هم سنت پویا و فرهنگ ملی که مدرنیته به قصد و نیت تخریب، با آن درتضاد است، حفظ شود. ما در سنت فرهنگی کلاسیک خود دارای تجربیات زیادی هستیم. نمونه بارز آن این یادآوری ست که "عصاره ی تفکر ابن سینا، سهروردی و فردوسی در شعرهای حافظ قابل مشاهده است". "پست مدرن" درحقیت در صدد باز تولید آن چه که به ناحق، مدرنیته، از سنت پویا و ملی را حذف کرد، هست. پذیرش مدرنیته و انطباق با آن، درعین تفاوت ها و درهم آمیختگی ها، درمفهوم سازی فرهنگی به روز شویم و در این را از" خطا " نهراسم. هرچند گفته باشند: " تفکر دروازه ی جهنم است".

زندگی آگاهانه

ریشه مشکلات بزرگ

حسین زیرراهی

مدرس مهارتهای توسعه فردی



جمله‌ای منسوب به آلبرت اینشتین وجود دارد که می‌گوید با فکری که مشکل را ایجاد کردی، نمی‌توانی راه‌حل هم بسازی. البته به غیر از فکر باید مواردی دیگر مانند دانش، مهارتها، اعمال و عادات را هم افزود. منظور اینشتین این است که اگر آن مساله در حیطه توانمندی شما قرار داشت اصلا بوجود نمی‌آمد. چون بصورت خودکار آن را حل می‌کردید. مانند بیشتر مسائل روزمره که با کمی تمرکز و تلاش حل می‌شوند. وقتی مساله‌ای لاینحل باقی می‌ماند یعنی آن مساله خارج از میزان توانایی‌های شما است. یا بقول ایشان سطح فکر اکنون شما آن را ایجاد کرده است و لاجرم قدرت حل آن را ندارد.

من به دلیل حوزه مطالعاتی و آموزشی که دارم معمولا به مشکلات اطرافیانم توجه می کنم. گاهی هم خودشان به زبان می‌آورند. البته خیلی کم پیش می‌آید فرد مساله را به صورت سوالی طرح کند و خواهان پیدا کردن راه حل یا پاسخی برای آن باشد. اغلب موضوع را در قالب شکایت، درددل یا آرزو بیان می‌کنند و دلیل آن را هم معمولا بدشانسی می‌دانند. برای این دوستان و احتمالا اکثریت بالایی از مردم بدشانسی عامل اصلی مشکلات جسمی، مالی، شغلی و حتی ارتباطی آنها است.

بعد از دیدن یا شنیدن مشکل موضوع را در ذهن خودم مرور می کنم ببینم طرز فکر و عملکرد ایشان در آن زمینه چگونه است. مثلا کسی که پای سفره غذا نه به خود، نه به غذا و نه به همسفره‌ها رحمی نمی کند انتظار دارد میزان چربی، قند و فشار خونش از اکنون تا ده سال دیگر مانند یک ورزشکار حرفه‌ای باشد. یا مثلا در زمینه شغلی خیلی‌ها نمی‌دانند که ترکیبی از تلاش، یادگیری و روابط خوب منجر به موفقیت می‌شود و درصد کمی به شانس ارتباط دارد. یا در دنیای مصرف گرای امروز اغلب بی‌پول‌ها نمی‌دانند راه حل پولدار شدن در درآمد بیشتر نیست بلکه صرفه‌جویی در هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری همان پول است. چون هرچقدر هم پول داشته باشی راه خرج کردن آن هم وجود دارد. اینها مواردی از مهمترین حوزه‌های زندگی ما یعنی سلامتی، کار و دارایی است. در بقیه موارد مانند تحصیل، روابط، ازدواج، مهارت‌آموزی فنی و هنری هم وضع به همین منوال است.

نتیجه این بحث این که وقتی به مشکل بزرگی در زندگی برخوردید به جای نفرین بر شانس و ابر و باد و مه و خورشید و غیره عملکرد خود را در آن زمینه از سه جهت بررسی کنید: نخست طرز فکر و باورهایتان، دوم دانش و مهارتهای‌تان، سوم هم اعمال و رفتارتان. مشکل فکر این است که انسان خیلی کم به افکار و باورهای خود شک می‌کند. ولی مشکلات و موانع دقیقا هدیه‌ای است که با آن به کمبودهای فکری و نگرشی خود شک کنیم. مرحله بعد پر کردن شکاف دانشی شما است . ببینید افراد موفق در آن زمینه چه دانش یا مهارتهایی دارند. شاید لازم باشد کتابی بخوانید یا آموزشی ببینید. در نهایت به این توجه کنید که اعمال، رفتار و عادتهایتان در آن مورد بخصوص چقدر با افراد موفق همخوانی دارد. اگر این سه مرحله را طی کردید حتی اگر هنوز به نتیجه نرسیده باشید قطعا دیگر خود را بدشانس نمی‌نامید. چون می‌دانید بخت و اقبال نیک و بد را همین‌ها بوجود می‌آورد.

سحر



پرویز انبارکی

کی خواستم حال دلم زیر و زبر گردد
هنگامه‌ای تا حاصلش خون جگر گردد

در انتظار نور چشم باز پر گیرم
ایمانم از پا بشکند خاکم به سر گردد

غمگین شوم دل بشکند اشک از دوگونه ام
پروا کند بر دوش شب مهتاب تر گردد

مانند کبک ترس سر را گم کنم در برف
تا چنگ باز در وجودم نیشتر گردد

آهو شوم تیر از میان سینه بشکافد
در خواب گرگ راهزن جانم سپر گردد

هی زیر لب پروا کنم هی لرزه لرزه ترس
تا لرزه ام هی بیشتر هی بیشتر گردد

مُردم به دست هر تباری زیر پای درد
این عمر رفته تا کجا باید هدر گردد

ای بار الها بار الها آتشی نوری
شاید شب یلدای پروا هم سحر گردد

محفل هنری به یاد هنرمند فقید رجب سپهری؛ جفتی نواز موسیقی بوشهر

به منظور تجلیل از مقام هنری زنده یاد رجب سپهری جفتی نواز ده سالیان دور بوشهر و همچنین رونمایی ازساز «نی جفتی» ایشان که بیش از پنجاه سال از عمر پربرکت هنری اش برآن دمیده بود، جلسه ای خود خودجوش به میزبانی هنرمند جفتی نواز ذوالفقار غریبی با حضور تعدادی از پیشکسوتان و جوانان نی نواز و دیگر هنرمندان سایر رشته‌ها همچنین علاقمندان رشته موسیقی تحت عنوان شبهای نیستان پودر ویژه برنامه تجلیل از نی نی نوازان در محل کارگاه نی سازی غریبی در محله «پودَر» بوشهر برگزار گردید . در ابتدا مجری برنامه ضمن تقدیر از برگزارکنندگان این جلسه و تشکر از حضور صمیمی حاضران؛ از میزبان جلسه خواست تا در زمینه هدف از شکل گیری برنامه شبهای نیستان پودر توضیح دهد.

سپس غریبی گفت: من در این کارگاه مشغول ساخت نی جفتی هستم وبرای آزمایش سازهای ساخته شده معمولا هفته ای یک بار با دعوت از صاحب نظران و اساتید نی نواز میزبان دوره ای برای آزمایش جفتی های ساخته شده هستیم. از طرفی من هر ساز جفتی که می‌سازم، اولین نغمه ای که از آن تولید می شود یاد ساز نوازان قدیمی برایم زنده می گردد. لذا در آزمایش هر ساز نغمه یا مقامی به یاد یکی از زنده یادان سفر کرده می نوازم. تا این که بفکرم رسید که برای شادی روح آنان و بزرگداشت مقام والای هنریشان برنامه ای خاص تدارک ببینم . لذا جهت جدا نمودن این برنامه با روند فعلی که دوره همی آزمایشی است، اسمی را تحت عنوان شبهای نیستان پودَر که نام محله ساحل شرقی بوشهر است را انتخاب نمودم.که انشاالله در آینده با همین نام مراسمی برای دیگر نی نوازان پیشکسوت ادامه خواهم داد.

در طول برنامه هنرمندان پیشکسوتی چون مجید پاکدل، بخشی برآورده، حسین غریبی، برادران نی نواز بختیاری‌ها، حسین سهرابی، غلامرضا زارعی و حماسه حق پرست رئیس انجمن موسیقی بوشهر به بیان خاطراتی از رجب سپهری جفتی نواز فقید و قدیمی



بوشهر پرداختند.

همچنین هنرمندان گرانقدر شاهرخ سروری، شاهین بهرام‌نژاد و مرتضی قائدپوری نیز مطلبی در زمینه شعر و هنره موسیقی و خاطراتی در همین زمینه بیان نمودند. سپس توسط دو نفر از پیشکسوتان جفتی نواز حسین غریبی و مجید پاکدل از ساز نی جفتی شادروان رجب سپهری پرده برداری کردند و در پایان هنرمندان نی نواز مجید پاکدل، بختیاری، غریبی، سجاد علی زاده و جوان آینده دار بردیا بهرام نژاد به همراه ضرب نوازی هنرمند پیشکسوت غلامرضا زارعی و داوود و سجاد برآورده و نوجوان خوش آتیه سینا غریبی وبا خوانندگی حسین سهرابی بخشی برآورده به اجرای موسیقی مقامی بوشهر پرداختند.

نگاهی کوتاه به فیلم سینمایی «برادران لیلا»

سر به زیر در نقد، سربلند در تفسیر

مهدی غضنفری



"برادران لیلا" سومین فیلم بلند "سعید روستایی" است. کماکان بهترین فیلم فیلمساز فیلم اولش "ابد و یک روز" است و دو فیلم بعدی "متری شش و نیم" و "برداران لیلا" در جایگاه بعدی قرار می گیر ند .

برادران لیلا ترکیبی از ابد و یک روز و فیلم کوتاه خوب "مراسم" است. فیلم از همان آغاز رویکردی رئالیستی و مستند نما دارد. مثل سکانس کارخانه که آشکارا ما به ازای بیرونی دارد و حداقل اعتراضات کشت و نیشکر هفت تپه خوزستان را بیاد می آورد و یا سکانس آغازین فوت بزرگ قوم و تلاش برای جانشینی اش با این که برای اکنون مراسمی ساختگی به نظر می رسد اما بیرون از فرم فیلم نیست. از سویی دیگر کل سکانس عروسی و بیشتر دیالوگ های فیلم از فرم فیلم بیرون است و اذیت می کند. چهار برادر فیلم (حال و هوا و دغدغه هایشان) کاراکترهایی چیده شده دارند و این چیده شدگی (مهندسی) خیلی خیلی هویداست. پرواضح است که این مهندسی برای فیلمی که مستند نماست اذیت کننده محسوب می شود. کاراکتری که پیمان معادی نقشش را بازی می کند کاراکتری هم‌جنس گرا است اما جنس بازی پیمان معادی در مسیری اشتباه است! حال بماند کل سکانس پیاده شدن دختران از ماشین و اجرای دم دستی اش در شاَن چنین فیلمی نیست.

برادران لیلا آشکارا دچار انشقاق فرم، لحن و روایت است و فیلمساز هر قراردادی با مخاطبش می بندد را دل‌بخواهی نقض می کند.

فیلم چه در روایت و چه در کارگردانی



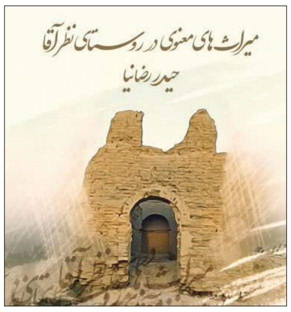
با کاستی های زیادی برخوردار است.

برادران لیلا آشکارا در نقد فیلم اثری سربه‌زیر محسوب می شود اما آن چه فیلم را به احتمال زیاد به بخش مسابقه جشنواره فیلم کن رسانده است و آن‌چه اینجا و آن جا موجب بحث و حدیث شده است نقد فیلم نیست بلکه تفسیر فیلم است که بعنوان نقد فیلم چاپ می‌شود.

فیلم از حیث تفسیر دست‌اش پر است و به هر گونه تفسیر جامعه شناختی، روانشناختی، سیاسی، فمنیستی و حالا با رویکرد اعتراضات اجتماعی ایران راه می دهد. اگر فیلمساز در هر دو فیلم قبلی اش نگاهی غم خوارانه و همراه با تقدیس به خانواده دارد اکنون رسما پدر و مادر را نقد می کند و سیلی زدن دختر بر گونه پدر، حکم تیر خلاص را دارد (به نظر نگارنده دلیل اصلی توقیف فیلم هم همین سکانس است) فیلم از حیث تفسیری حرف ها دارد (مثل ارزش پیدا کردن دستشویی هایی یک پاساژ تجاری در وضعیت اقتصادی نابسامان) که در این یادداشت کوتاه جایش نیست.

برادران لیلا از نظر سینمایی و نقد فیلم، حداکثر فیلمی متوسط است (دو ستاره) که در تفسیر دلیری می کند و دلبری می نماید./ سینمافا

کتاب میراث‌های معنوی در روستای نظرآقا دشتستان منتشر شد



کتاب میراث‌های معنوی در روستای نظر آقا به انضمام حادثه جنگ کویری اثر حیدر رضانیا با هدف شناخت از تاریخ روستای نظرآقا از توابع شهرستان دشتستان توسط انتشارات قلمداران جنوب منتشر شد.

نویسنده این کتاب در گفت و گو با ایرنا اظهار کرد: این کتاب نخستین اثر پژوهشی در رابطه با معرفی روستای نظرآقا است چرا که عقیده دارم عناصر مهمی در زندگی وجود دارد که ما برای نسل‌های آینده به آن ها نیاز داریم و باید از آن ها باید حفاظت کنیم.

وی ادامه داد: آشنایی نسل امروز با سبک زندگی ما قبل خودش در دیاری که زیست می کند حائز اهمیت است از همین رو در کتاب میراث معنوی در روستای نظرآقا توجه ویژه شده است.

رضانیا اضافه کرد: فصل‌های کتاب شامل تاریخچه روستای نظرآقا، میراث های ناملموس فرهنگی، سبکِ زندگی، سال قحطی و شکوائیه آن دوران به زبان شعر، سابقه مبارزات مردم و شاعران محلی سرا است. این پژوهشگر گفت: این کتاب در ۱۴۶ صفحه در انتشارات قلمداران جنوب به همت و مساعدت مادی و معنوی اعضای شورای اسلامی و دهیاری دوره ششم روستای نظرآقا روانه بازار نشر شده است.

کتاب "میراث معنوی در روستای نظرآقا" با طراحی جلد توسط سپیده شیرکو، صفحه آرایی توسط پریا شیرکو و انتشارات قلمداران جنوب منتشر شده است. حیدر رضانیا، دبیر بازنشسته آموزش و پرورش منطقه سعدآباد است. کتاب "حماسه حضور" با موضوع خاطرات ناب رزمندگان روستا در دورانِ دفاع مقدس و همچنین کتاب های گَنجینه "جنگ" و "شهید فرهنگی اسماعیل رزمجو" به زودی از وی منتشر می‌شود.

روز بوشهر در تقویم رسمی جا گرفت

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر گفت: براساس مصوبه شورای فرهنگ عمومی کشور ۱۸ اسفند ماه به عنوان روز بوشهر جهت ثبت در تقویم رسمی تصویب شد.

عبدالرحیم افروغ در گفت وگو با ایرنا اظهار کرد: ۱۸ اسفند روز تاسیس مدرسه سعادت در سال ۱۲۷۸ است که این اثر در تاریخ ۱۱ بهمن ۱۳۷۸ با شماره ثبت ۲۵۷۸ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

وی با بیان اینکه ده‌ها نفر سیاستمدار، شاعر، نویسنده، مورخ، محقق و دانشمند علوم انسانی در مدرسه سعادت دانش آموخته شده اند افزود: مدرسه سعادت به سبک نوین آموزشی تاسیس شده که از نظر تاریخی مادر مدارس جنوب ایران است و بافت آن نیز همانند بافت مرکزی شهر بوشهر زیبایی خیره‌کننده‌ای دارد.

افروغ یادآورشد: مطالب مطرح شده توسط نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه بوشهر در نشست شورای فرهنگ عمومی که به ریاست وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد در تحقق این مصوبه موثر بود.

مدرسه سعادت یا مدرسه سعادت مظفری مربوط به دوره قاجار است و در محله کوتی بوشهر قرار دارد .

۳۸ میلیارد تومان تسهیلات به فعالان صنایع دستی بوشهر پرداخت می‌شود

معاون صنایع دستی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر گفت: ۳۸ میلیارد تومان تسهیلات به فعالان صنایع دستی این استان پرداخت می‌شود.

به گزارش خبرنگار مهر، خلیل رازه در جمع خبرنگاران اظهار داشت: حمایت از سرمایه‌گذاری در حوزه صنایع دستی استان بوشهر را به صورت جدی دنبال می کنیم.

وی از امضای چهار تفاهم‌نامه برای حمایت از صنایع دستی خبر داد و بیان کرد: نمایشگاه محصولات صنایع دستی در حمایت از فعالان این عرصه راه‌اندازی می‌شود که در این راستا ضمن برپایی نمایشگاه صنایع دستی در مجتمع گاز پارس جنوبی، دوره آموزشی ویژه خانواده کارکنان این مجتمع گازی تشکیل می‌شود.

وی افزود: برای آشنایی کودکان و نوجوانان با رشته‌های صنایع دستی تفاهم‌نامه‌ای با کانون پرورش کودکان و نوجوانان منعقد می‌شود.

رازه از استفاده هنرمندان صنایع‌دستی استان بوشهر از مزایای بیمه صندوق روستایی و عشایری خبر داد.

زاهدی‌فر؛ سرمایه فرهنگی و ورزشی استان بوشهر



حسین روئین

اَقوام روزگار با اخلاق زنده‌اند.
قومی ک شد فاقد اخلاق مردنیست.

رنجنامه‌ءدردمندانه مهندس محمد حسین (میثم) زاهدی‌فر داور رعنا قامت خوش خِلقتِ خوش اخلاق همشهری مان راخواندم و به شدت مُکدّرو غمگین شدم.

مطمئنم هر برازجانی و دشتستانی اصیل و با اصالت آنرا بخواند، از این عمل و رفتار تبری و دوری میجوید و آنرا محکوم میکند و بشدت درخودمیپیچد.

ادبیات نوشتاریِ زیبا ومنطبق با آداب انسانی ومنطقِ مهندس زاهدی فر، در ابراز رنجنامه‌اش، خواننده را بیش از پیش به ستایش وی و نکوهش اوباشان بظاهر هوادار رُخنه کرده در میان طرفداران اصیل، میپردازد.

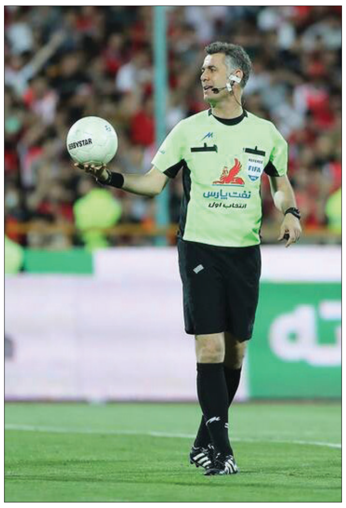
عمل شکستن شیشه‌های منزل مسکونی و شخصی که در آن زن و فرزندان زندگی میکنند، اگر اُفول و تنّزل اخلاقی نیست، چیست؟! روشن است این عمل مصداق بارز رُعب و وحشت عمومی است. این وحشت زائــی از هَرکَس با هر رَنگـــی و با هر نیتی که باشد مذموم، زشت و نابخـردانه و ناجوانمردانه است. مهندس زاهدی‌فر امروز تنها نیست، او یکی از سرمایه های هنری فرهنگی این دیار ودر همین راستا فرزند معنوی تمامی مادران وپدران این دیار است. او پرچم سرافراز دشتستان را که زمانی برای معرفی این دیار بر دوش غضنفرخان برازجانی بوده اکنون برای معرفی مردم غیور این خاک در پایتخت بر دوش گرفته است.

چرا باید در شهرستانی با مَهد فکر و فرهنگ و هنر، چنین اتفاقات ناشایستی بیفتد که قاطبه شهروندان شریف این دیار، بدلیل رفتارافرادی قلیل، احساس خجالت وسرافکندگی کنند.

جا دارد مردم شریف بویژه ورزشکاران و ورزش دوستان در تمامی رشته های ورزشی این شهر، این کار زشت را بشدت محکوم کرده و حمایت بیدریغ خود را از فرزند سربلند دشتستان ابراز بدارند تا لهیب و هیبت این برخورد، جرأت جسارت مجدد را از کسانی که عمل زشتشان باعث اُفتِ منش و روش و بینش شاخص فرهنگ دیار گَردیده را بگیَرد و هوس تکرار نکنند.

حمله با سنگ به خانه داور دشتستانی دربی!

محمدحسین زاهدی‌فر: بسیار سخن بود، نگفتم و گذشتم



محمدحسین زاهدی‌فرد، داور دربی، از حمله افراد ناشناس به منزل شخصی‌اش خبر داد.

صد و یکمین شهرآورد پایتخت در حالی با پیروزی ۲-۱ پرسپولیس به پایان رسید که در آخرین دقایق این بازی و با مصدومیت اشکان خورشیدی، او جای خود را به محمدحسین زاهدی‌فرد داد تا این داور اهل برازجان بازی را ادامه دهد.

حالا زاهدی‌فرد با انتشار تصویری در صفحه شخصی اینستاگرام از حمله افراد ناشناس به منزل شخصی خود خبر داده و نوشته:

«هیچ گاه گمان نمی کردم روزی در شهرم، برازجان این گونه به خاطر تلاش در راه اعتلای نام شهرم در عرصه ورزش با دستان خالی و بدون حمایت مسئولین و ارگان خاصی و حتی با سنگ اندازی های بسیار در زمانهای مختلف، مورد هجمه



و بی مهری همشهریانم قرار گیرم، به مراتب روزهای سخت تری را برای تیم‌های مورد علاقه همشهریانم در فصول مختلف فوتبالی و به خصوص سال جاری شاهد بودم اما هیچ زمانی این گونه متن و رفتار از این دوستان در گروه های مجازی و مجالس حقیقی نخواندم و نشنیدم.

امشب هنگام بازگشت به منزل با این صحنه (شکسته شدن شیشه های در منزل) رو به رو شدم که نه از شدت ناراحتی عمل به وقوع پیوسته بلکه به جهت بی مهری بی بدیل همشهریانم دل رنجیده وسرافکنده در برابر خانواده و فرزندانم شدم که دلیل این حادثه حضور در عرصه ورزشی بوده و نتیجه آن بی احترامی بخصوص همشهریانم باشد.

البته که مهر وافر اکثریت همشهریان، هم استانی ها وهم وطنانم آن قدر بیشمار بوده که تا همیشه مدیون آنها خواهم بود و سر تعظیم در برابرشان فرود خواهم آورد اما بیم هری های این چنینی در ذهن فرزندان حقیر چیزی جز ذهنیت ناصحیح از فرهنگ مردم شهرم به جای نخواهد گذاشت.

به درگاه خداوند دعا می کنم، هیچ یک از بندگانش را دچار جماعت بی شرم (محدود افراد این چنین) نکند.

گرچه تاب آوردن جور و جهل سخت است اما این تحمل بی شرمی است که جان انسان را به لب می رساند. حیا و خجالت که نباشد هیچ چیز جلودار آدم نیست.

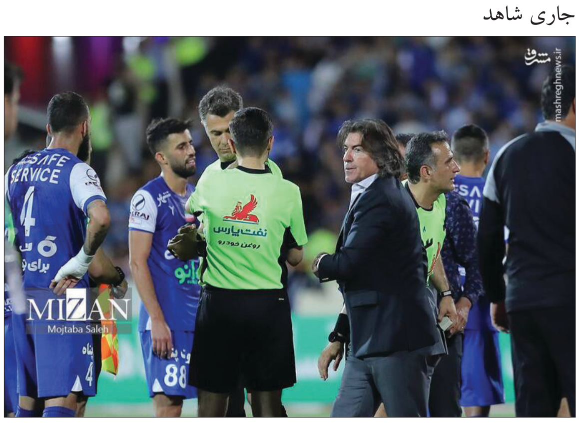
من ترجیح می دهم هم چنان بی کلک و بی سیاست باشم و از همشهریان شهر کوچکم شکست بخورم، تا این که با نقش بازی کردن و سیاه بازی بخواهم به چیزی برسم. درواقع این چنین رفتارهایی در ذات من نیست، نمی‌توانم ...

بسیار سخن بود، نگفتم و گذشتم.»

البته به نظر می‌رسد این حمله اثر خاصی نداشته و بیشتر واکنشی انتقام‌جویانه و هیجانی بعد از شهرآورد بوده اما به هر حال در سطح فوتبال ایران سابقه نداشته است.

قضاوت محمدحسین زاهدی‌فرد در حالی مورد هجمه قرار گرفته که احتمالا هواداران استقلال بابت اخراج ریکاردو ساپینتو و طرفداران پرسپولیس به دلیل عدم اعلام پنالتی روی عیسی آل‌کثیر از داور دربی دلخور هستند.

همچنین صحنه خطای منجر به گل استقلال و گل دوم پرسپولیس نیز مورد نقد هواداری قرار گرفته است.



باشگاهی سرشار از لذت زندگی و زیبائی

محمدرضا کرمزاده دشتی

یاد ایام: چقدر دلخوش بودیم و به خود می بالیدیم که صاحب خانه بزرگی به نام باشگاه هستیم.

از آن روزها بیش از نیم قرن گذشته و چه عزیزانی که با هم همبازی بودیم و روح ورزش و درس همکاری را در باشگاه و در کنار آنان یاد گرفتیم و با خاطره‌های غنی و مشترک با حس درونی همبستگی در این خانه با هم بزرگ شدیم.

هنوز بوی عطر خوش آن دوران به مشام می رسد و آوای دلنشین هیاهوی کودکانه بچه ها در زمین ورزش در گوشها طنین انداز است.

و چه زیبا تصوری از سلامتی و سرخوشی را تداعی می نماید از آن ایام که سرشار از لحظات شیرین و خوشایند است ، تا به امروز چندید نسل فعالیت های ورزشی‌شان را در این باشگاه آغاز و به پایان رساندند.

باشگاه: خانه بزرگی که همه ما را در خود جای داد و پذیرای‌مان شد و هنوز جا دارد، خانه‌ای سرشار از لذت زندگی و زیبائی، خانه خاطره عشق و صمیمیت های دوران نوجوانی و جوانی و پیوندهای عاطفی، خانه ای که حافظه جمعی و تاریخی ماست و ما هویت جمعی خود را در آن یافتیم و به واسطه آن بخشهائی از تجربیات زندگی‌مان را که در خود جای داده است، به یاد می آوریم، چقدر خوشبختیم که عضو این خانه‌ایم و به خود می‌بالیم که صاحب خانه بزرگی به نام باشگاه فرهنگی ورزشی جم در بندر بوشهر هستیم.

امید که این خانه همواره بدست توانای جوانان عزیز و برومند ورزشکار و دوستداران ورزش همیشه روشن و پرفروغ و پایدار باشد. جوانان عزیزی که با تلاش خالصانه، همواره پرچم باشگاه را از همیشه سربلند تر و برافراشته‌تر نگه‌دارند و در پاسداشت ارزشهای باشگاه فرهنگی ورزشی جم بوشهر کوی بنمانع کوشا باشند.

(روابط عمومی باشگاه ورزشی جم بنمانع)

واکنش متولی ورزش استان بوشهر به حمله به خانه داور فینال جام حذفی:

این اتفاق می‌تواند تصادفی به وقوع پیوسته یا با بازیگوشی کودکان به وقوع بپیوندد

یاسر جمالی در گفت وگو با ایرنا اظهار کرد: محمدحسین زاهدی‌فر از افتخارات استان بوشهر است که مورد احترام جامعه ورزشی، مردم و مسئولین این استان قرار دارد. وی افزود: علاقمندی مردم استان بوشهر به این داور تحصیل‌کرده به گونه‌ای است که با انتخاب ایشان توسط کمیته داوران برای سوت‌زدن در دیدارهای لیگ برتر و جام حذفی، پیام‌های وسیعی در شبکه‌های اجتماعی برای حمایت از ایشان در سطح استان بوشهر ترند می‌شود.

وی با اشاره به اتفاق تلخی که توسط این داور در صفحه‌ای از شبکه‌های اجتماعی منتشر شده، گفت: در حال بررسی اتفاق پیش افتاده برای ایشان هستیم اما آن چه که از مقامات مرتبط تاکنون شنیده‌ایم نشان می‌دهد که هیچ گونه ارتباطی بین این دیدار، داوری مسابقه و شکسته شدن شیشه منزل این داور در شهر برازجان وجود ندارد و با توجه به این که مردم استان بوشهر و به خصوص زادگاه ایشان برازجان، زاهدی‌فر را خیلی دوست دارند نمی توانیم این اتفاق را به گردن هواداران فوتبال بیاندازیم.

سرپرست اداره‌کل ورزش و جوانان استان بوشهر تاکید کرد: این اتفاق می تواند به شکل تصادفی و حتی بدون شناسایی منزل زاهدی فر توسط فردی به وقوع پیوسته باشد، آن چنان که گاهی برای هر شهروندی می تواند با بازیگوشی کودکان به وقوع بپیوندد و بهتر بود این موضوع قبل از بررسی کامل توسط ایشان وارد فضای شبکه های اجتماعی و رسانه‌ای نمی‌شد.

تیم فوتبال جم بوشهر محله بنمانع ۱۳۶۲



ایستاده از راست: حسین صلح دوست، محمدرضا کرم زاده، مرحوم حسین ایران پور، ؟ ، حمید فقیه، سهراب سروش، غلامرضا ماهینی، محمد میگلی، عبدالحسن شبل الحکما، حسن ایران پور
نشسته از راست: محمدعلی خوش سیما، احمد حق شناس، حسن چمکوری، غلامعلی محمدزاده، رزاق احمدی، عباس بساق زاده، ابراهیم وحیدفر، منصور ماهینی

شورش‌های دهقانی مناطق شبانکاره و زیراه در دوره پهلوی(۱)

پیشینه تاریخی شبانکاره و زیراه در استان بوشهر

دکتر حمیداسدپور





شبانکاره هم نام قوم و هم نام مکانی در ایران می‌باشد و چندین ناحیه به این نام وجود دارد که از آن جمله می‌توان به شبانکاره میمند در استان فارس و شبانکاره کرمانشاه اشاره کرد. به علاوه شبانکاره نام ایل و طایفه‌ای است که در برخی نواحی ایران و حتی کشورهای همسایه مانند عراق زندگی می‌کنند. هم چنین شبانکاره نام یکی از دولت‌های محلی تاریخ ایران است که در حدفاصل قرون پنجم تا هشتم هجری قمری به قدرت رسیده و نشانی از خود در تاریخ بر جای گذاشته‌اند.(شبانکاره‌ای،۱۳۸۱: ۱۵۰-۱۸۰ و کتبی،۱۳۶۴ : ۶۱-۶۹) شبانکاره در لغت به معنای چوپان و یا فردی که شغل وی چوپانی هست و به طور کلی معرف مردمانی است که شغل آن‌ها دامداری می‌باشد. اما این پژوهش مربوط به شبانکاره از توابع شهرستان دشتستان در استان بوشهر است. این ناحیه از گذشته‌های دور تا دوره معاصر با بهره‌گیری از رودخانه‌های دائمی، دارای محصولات متعددی مانند گندم، جو، پنبه، کنجد و به ویژه باغات نخل بوده است. منطقه زیراه نیز که در اصل زیراب بوده، نیز دارای محصولاتی مشابه شبانکاره می‌باشد(حسینی فسایی، ۱۳۸۲: ۱۳۳۰ -۱۳۳۱).

کشاورزی و باغداری در این ناحیه، چنان دارای رونق بوده است که نویسندگان دوره قاجار، باغات نخل فراوان در این نواحی تا منطقه دالکی را به یک جنگل تشبیه نموده‌اند (اعتماد السلطنه، ۱۳۷۴:۶۵). از سوی دیگر به دلیل این اهمیت و فشارهای مالکان، از گذشته‌های دور، شورش‌های پراکنده‌ای در این نواحی صورت گرفته است(دو سفرنامه جنوب، ۱۳۷۸ : ۲۷۵ و۲۷۶).

در بسیاری از دوره‌های تاریخ، مناطق شبانکاره و زیراه توسط خوانین اداره شده است و این امر به ویژه در تاریخ معاصر، پررنگ‌تر می‌باشد. از دوره حکومت ناصرالدین‌شاه، تحولات مهمی در بوشهر رخ داد که از آن جمله، انقراض قدرت برخی حکام محلی مانند آل مذکور است. بعد از این تحولات، حکام محلی دشتستان و شبانکاره از سوی حکام شیراز و یا از تهران منصوب شدند(اسدپور، ۱۳۹۲:۲۷۰). پس از آن مقامات سیاسی و اداری دربار قاجار، موفق به اجاره مناطق شبانکاره و زیراه از حکومت مرکزی شدند که نمونه آن می‌توان به خاندان نظام‌السلطنه مافی اشاره نمود. محمدحسن خان نظام مافی، معروف به سعدالملک، این مناطق را در اختیار گرفت و اسماعیل خان از خوانین شبانکاره را به عنوان مباشر خود در این ناحیه منصوب کرد(سعادت، ۱۳۹۰: ۱۱۹و ۱۲۰).

در دوره مظفرالدین‌شاه، اسماعیل‌خان شبانکاره‌ای که همان اسماعیل‌خان دوم است حاکمیت مطلقی بر مناطق شبانکاره و زیراه داشت. سپس صدیق‌الممالک که نام اصلی وی حاجی میرزا ابراهیم خان شیبانی می‌باشد تا پایان دوره استبداد صغیر به عنوان حاکم دشتی و دشتستان منصوب شد و تلاش نمود تا خوانین این نواحی را تحت کنترل خود درآورد. تلگراف‌های متعدد وی به نظام‌السلطنه فرزند مظفرالدین‌شاه که حاکم فارس در آن دوره بود، حکایت از درگیری‌های شدید وی با این خوانین است که حاضر به پرداخت مالیات خود نبودند. مضمون بسیاری از این تلگراف‌ها آن است که اسماعیل‌خان شبانکاره‌ای در پی بسط قدرت خود بوده است. چنانکه اسماعیل‌خان، این مناطق را از قرار سالی هجده هزار تومان از سعدالملک اجاره کرده بود و حاضر به پرداخت مالیات خود به دیوان نبود و این مالیات‌ها چندین سال عقب افتاده بود (ورهرام، ۱۳۵۱:۱۱۳و ۲۰۵). درگیری‌های صدیق الممالک با خوانین شبانکاره و زیراه چنان است که صدیق‌الممالک بارها از حاکم فارس، تقاضای توپخانه و نیروی نظامی کافی دارد تا بتواند مانع از اقدامات خودسرانه خوانینی مانند اسماعیل‌خان شبانکاره‌ای شود(ورهرام،۱۳۵۱: ۱۹۲). این درگیری‌ها فقط بر سر عدم پرداخت مالیات از سوی این خوانین نبود، بلکه خوانینی مانند اسماعیل‌خان، خودسرانه به غارت اموال دیگران می‌پرداختند و حاضر به پس دادن اموال غارت شده نبودند (ورهرام،۱۳۵۱: ۲۰۳).

قدرت این خوانین در این نواحی به شکلی بود که هیچ گونه مقررات خاصی وجود نداشت و خان، مرجع حل و فصل همه امور تلقی می‌گردید. فشارهای مالیاتی بسیار زیاد و مالیات‌ها به شکل نقدی و جنسی از مردم گرفته می شد (۹۷۵:۱۹۰۸، lorimer).

علاوه بر فشارهای مالیاتی که در اکثر نقاط ایران وجود داشت، کشاورزان و باغداران، مجبور به انجام کارهای ساختمانی، بنایی، شهرسازی، لایروبی نهرها و دیگر امور، جهت خوانین بودند. هم چنین، هزینه‌های مأموران حکومتی که از این ناحیه می گذشتند نیز بر عهده روستاییان بود(لمبتون، ۱۳۴۵: ۵۸۳-۵۷۶). لازم به ذکر است که خوانین و مالکان بزرگ در این نواحی دارای خدمتکارانی بودند که در ظلم و ستم نسبت به مردم و به ویژه فشارهای مالیاتی نقش مهمی داشتند و این خود یکی از زمینه‌های شورش‌ها بود. چنان که علاوه بر افرادی به نام سیاه خان که از آفریقایی تباران و در خدمت خوانین بودند، افرادی به نام خراس در این نواحی برای خوانین و مالکان فعالیت می‌کردند که تعیین و برآورد مقدار محصولات بر عهده آنان بود. آنان، معمولاً به طور آزادانه، مقدار و وضعیت محصولات را پیش از برداشت، تخمین می‌زدند و عموماً برآورد آن از محصولات، بیشتر از حد واقعی و به نفع خوانین بود. پس روستاییان، مجبور به پرداخت مالیات‌های سنگین‌تری می گردیدند.

این گونه فشارها بر روستائیان تنها به مناطق محدودی مانند شبانکاره و زیراه اختصاص نداشت، بلکه از ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی دوره قاجار بود. چنان‌که در این دوره به دلیل نیازهای شدید مالی حکومت قاجار و وابستگی به اقتصاد کشاورزی از یک سو و افزایش تقاضا برای محصولات کشاورزی و وجود نیروهای کار ارزان در روستاها، اختیارات و تعدی مالکان و خوانین را افزایش داد و نظارتی بر امور آن‌ها نبود(ایزدپناه، ۱۳۷۶: ۱۲۲و سیف،۱۳۷۳: ۷۷). به علاوه چنان که اشاره شد، حکومت قاجار بسیاری از مناطق مانند شبانکاره و زیراه را اجاره داد و روز به روز بر ثروت و قدرت خوانین افزوده شد و سطح زمین‌های دولتی کاهش یافت. به صورتی که بیش از شصت وشش درصد املاک در اختیار خوانین بزرگ قرار گرفته بود (رواسانی، ۱۳۹۰: ۶۹).

اعتمادالسلطنه اشاره می‌کند که «املاک خالصه دیوانی از آنجا که مراقب مخصوصی نداشت غالباً در عداد ضیاع مخروبه محسوب می گردید. ابناء دولت و رجال مملکتی بر حسب اشارات شخص همایونی، مزارع و قری و مستغلات دیوان اعلی را به اصل ثروت و مکنت بفروختند و قبالجات صحیح مزین به خط آفتاب نقط و خاتم خورشید توام به مشتریان سپردند»(اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۶ : ۱۷۷). مجدالاسلام کرمانی نیز عنوان داشته است که «چون شاه دید که از داشتن خالصجات منتفع نمی‌شود فکر کرد که آن‌ها را بفروشد و همان عایدی که در دفتر به اسم هرملکی نوشته‌اند به عنوان مالیات بر آن ملک تحمیل کند و علی الحساب هم مبلغی به اسم تقدیم صدور فرمان از خریدار بگیرند تا هم مبلغی نقداً عاید پادشاه شود و هم املاک را خریداران قهراً آباد می‌نمایند»(کرمانی، ۱۳۵۶: ۱۲۰).

همچنین دولت قاجار، نیازمند پول نقد بود و اینگونه واگذاری املاک باعث می‌گردید که مالیات جنسی به نقد تبدیل شود. (عیسوی، ۱۳۶۲: ۵۲۸) پس در بسیاری از مناطق ایران، قدرت تا سال‌ها در اختیار خوانین باقی ماند و املاک وسیعی در اختیار آن‌ها قرار گرفته بود(کرمانی،۱۳۸۶: ۳۳ و ظهیرالدوله،۱۳۵۱: ۱۷۷-۱۷۸ و اشرف، ۱۳۵۹: ۵۲ و ۵۳). فشارهای خوانین بر روستاییان چنان بود که میرزا ملکم خان برای اولین بار در کتابچه غیبی، فروش املاک خالصه دیوانی به روستاییان را مطرح کرد و آن را از وظایف وزیر داخله دانست(محیط طباطبایی، ۱۳۴۷: ۵۰).

در مناطق شبانکاره وزیراه، خوانین علاوه بر داشتن قدرت و ثروت و فشارهای مالیاتی بر روستاییان، تلاش می‌کردند تا در مقابل هر گونه نوسازی و تغییر و تحولات اجتماعی و اقتصادی نیز مقاومت کنند تا کشاورزان و باغداران، وابستگی تام خود را به آنان، به ناچار حفظ نمایند. اسماعیل‌خان شبانکاره‌ای باخط تلگرافی که از برازجان، شبانکاره و از آن جا به دیلم و خوزستان می‌رفت کاملاً مخالف بود. در اسناد موجود از انگلیسی‌ها، به خسارت وارد شده به این خط تلگراف اشاره شده است که می‌بایست هزینه‌ها را اسماعیل‌خان می‌پرداخت(lorimer:۱۹۰۸: ۹۵۷). همین تلگراف، بعدها از ابزارهای اساسی روستاییان جهت شکایت‌ها و درخواست‌های متعدد آنان بود.

پس از فتح تهران و پایان یافتن دوره استبداد صغیر، افرادی مانند صولت‌الدوله قشقایی در جنوب، قدرت زیادی یافتند و وی عازم بوشهر شد. در این شهر مقرر شد که خوانین منطقه نزد او بروند و اطاعت از او را بپذیرند. از جمله کسانی که حاضر به این امر نبودند، اسماعیل‌خان شبانکاره‌ای بود(مشروطیت جنوب ایران، ۱۳۸۶:۲۴۸). در سال‌های پس از آن نیز خوانین شبانکاره و زیراه، مانند اسماعیل‌خان، تحت فشار حکومت مرکزی و حاکم فارس قرار می گرفتند و با فشارهای مالیاتی شدید بر مردم، اقدام به اخذ انواع مالیات ها نمودند(مشروطیت جنوب ایران، ۱۳۸۶: ۲۷۳).

قدرت فزاینده خوانین شبانکاره و زیراه در این سال‌ها چنان بود که حتی تأمین امنیت بخشی از بندر بوشهر را عهده دار بودند و عملاً تفنگچیان شبانکاره‌ای در این بندر و حوالی آن به گشت‌زنی می‌پرداختند. به دلیل همین قدرت بود که خوانین این نواحی به درگیری با حکام قدرتمند در مناطق دیگر مانند برازجان اقدام کردند(مشروطیت جنوب ایران،۱۳۸۶:۳۲۶ و ۲۷۳).

اسماعیل‌خان شبانکاره‌ای جهت تحکیم قدرت خود، روابط دوستانه‌ای با انگلیسی‌ها داشت و از دیدگاه انگلیسی‌ها، فشار بر این خان، به منزله فشار بر نیروهای انگلیسی بود. چنان که انگلیسی‌ها به حاکم فارس که تعدادی نیرو جهت سرکوبی اسماعیل‌خان فرستاده بود، اعتراض نمودند و حاکم فارس دستور داد تا این نیروها از منطقه کنار تخته یعنی پیش از دشتستان، فراتر نروند(اسدپور، ۱۳۹۲: ۸۱).

در جنگ جهانی اول، بر خلاف آن که خوانینی مانند غضنفرالسلطنه برازجانی و بسیاری از حکام و خوانین دیگر در مقابل انگلیسی‌ها قرار گرفتند، خوانین شبانکاره و زیراه از کمک به نهضت جنوب و مقابله با انگلیسی خودداری ورزیدند و حتی به اختلافات دامن زدند و مردم روستائی، بیشتر تاوان این اختلافات را به دلیل ناامنی و فشارهای خوانین دادند(اسدپور،۱۳۹۲: ۸۲). شرکت نمودن تعدادی از نیروهای روستایی این نواحی در نهضت جنوب، حکایت از نارضایتی آنان از عملکرد خوانین و حس وطن‌دوستی آنان دارد.

پس از درگذشت اسماعیل‌خان، پسرش محمد علی‌خان در ده‌کهنه به عنوان مرکز شبانکاره به اعمال قدرت پرداخت. پس از او فرزندانش، یعنی شاه منصورخان و اردشیرخان قدرت را در شبانکاره و زیراه به دست گرفتند. این دوره مصادف با تغییر حکومت قاجار و روی کار آمدن حکومت پهلوی بود. در این زمان، حکومت مرکزی به سرکوب برخی از نیروهای محلی در جنوب ایران پرداخت تا تسلط خود را در این نواحی تحکیم بخشد. در این راستا، ملک منصور و برادرش با همکاری با حکومت رضاشاه و سرکوبی برخی حرکت‌ها، قدرت خود را حفظ نمودند(اسدپور،۱۳۹۲: ۸۷). در این دوره است که به تدریج قیام و شورش های محلی شروع شده، تداوم می‌یابد.

گورستان ارزشمند تاریخی شغاب در بندر بوشهر

سیما زنگویی

گورستان شغاب یکی از گورستان‌های ارزشمند دورهٔ تاریخی می‌باشد که در ۸ کیلومتری جنوب غربی بوشهر واقع شده که به‌وسیلهٔ جادهٔ ساحلی زیبایی به بوشهر اتصال می‌یابد و با وسعتی در حدود ۱۰ هکتار از سمت غرب به دریا و شرق به نیروی هوایی از جنوب شرقی به محله دواس و از شمال به محله شغاب و از شمال شرقی به محله جلالی محصور می‌گردد و در مجاورت آن شهر باستانی لیان قرار دارد که بعدها به ریشهر یا ریواردشیر تغییر نام داد. از آنجا که خلیج‌فارس از هزاران سال به دلیل موقعیت خاص خود مورد توجه اقوام مختلف سرزمین‌های گوناگون قرار داشت و تا دورهٔ اسلامی در این گورستان تدفین صورت گرفته است.

جنس سنگ‌های بستر گورستان شغاب از جنس لوماشل که ترکیبی از صدف‌ها و دوکفه‌ای‌ها + ۹۵ تا ۱۰۰ درصد پوسته آهکی و همچنین مارن که ترکیبی از صدف‌ها و دوکفه‌ای‌ها + رس و ۲۰ و ۷۵ درصد پوسته آهکی است که ازنظر زمین‌شناسی جزء سنگ‌های بسیار سست و نامقاوم است و ازنظر زمین‌شناسی به دوره کوارترنری تعلق دارد و ازنظر سنگ‌شناسی بخش فوقانی سازنده آغاجاری است که قدمت آن به بالغ‌بر ۱/۵ میلیون سال برآورد شده است. این نوع سنگ‌ها ازنظر اقتصادی برای مردم این دیار بسیار با اهمیت بوده و در ساخت‌وسازهای گذشته به کار می‌رفته است (کنین صص ۱۸-۱۲، ۱۳۹۱).

در مورد واژهٔ شغاب نظرات مختلفی توسط زبان شناسان محلی و باستان شناسان ارائه شده است. مثلاً برخی زبان شناسان معتقدند شغاب معرب چغاب و در مناطقی که زیر سلطه ایلامی‌ها بوده کاربرد داشته است و ما مناطق زیادی که در محدودهٔ پادشاهی ایلام بوده می‌شناسیم که با کلمه چغا آغاز می‌شود مثل چغازنبیل در استان خوزستان حتی در نزدیکی شبه جزیره بوشهر شهری به نام چغادک وجود دارد که احتمالاً با تمدن ایلامی بی‌ارتباط نبوده است. اگر شغاب معرب چغاب باشد به معنای محل مرتفع زندگی یا تپه مسکونی کنار آب است(یاحسینی، ص ۲۰۴).

آقای یغمایی واژه شغاب را به معنای شق + آب یعنی محل شاخه‌شاخه شدن آب می‌داند و دکتر رهبر شغاب را بر وزن عقاب که از اسم روستایی در آن حوالی وجود داشته گرفته شده است یا دکتر سرفراز براساس لغت‌نامه دهخدا شغاب را به معنی چای پای شتری که صاف راه نمی‌رود و پستی و بلندی ایجاد می‌کند و بر اساس حفره‌های طبیعی که باگذشت هزاران سال در سنگ‌های لوماشل و مارنی ایجاد شده این معنی به واقع نزدیک‌تر است. گورستان شغاب چندان ارتفاعی از سطح دریا ندارد به طوری‌که هنگام مد بخشی از آن به زیر آب می‌رود.

واژهٔ شغاب هر چه باشد تا چند سال پیش گورستان وسیعی در آن به چشم می‌خورد که قبرهای آن نیز مانند نام آن اسرارآمیز بود که مورد توجه جهانگردان بود و همچنین ذهن مردم بومی را هم به خود جلب کرده بود اما هرگز به دلیل فقدان رشد علمی به خصوص عدم کاوش‌های باستان‌شناسی نتوانستند راز سربه‌مهر گورها را کشف کنند (یاحسینی، ص ۲۷، ۱۳۹۱).

این گورستان بی‌پناه بعد از گذشت سال‌ها درحالی‌که از آزار و اذیت مردمان ناآگاه و جویندگان طلا و از همه مهم‌تر عوامل و مأموران شهرداری که هر بار به بهانه ساخت‌وسازهای شهری و عمومی درمانده و فرسوده شده بود بالاخره در پاییز ۱۳۶۲ توسط آقای اسماعیل (احسان) یغمایی مورد کاوش قرار گرفت به گفته خود ایشان موقعی که به آنجا رسید به علت ظلم‌هایی که به آن شده بود حرف زیادی برای گفتن نداشت. در سال ۱۳۶۹ دکتر سید علی اصغر میرفتاح کاوش را آغاز کرد



که در آن زمان براثر خاک‌برداری شهرداری بر ایجاد فضای سبز قسمت‌هایی از شغاب مضطرب شده بود و سفال‌های پراکنده و استخوان‌ها منظره بدی را به وجود آورده بود و شرق گورستان بیشتر تخریب شده بود. در سال ۱۳۷۷ این گورستان توسط دکتر مهدی رهبر مورد کاوش و گمانه‌زنی قرار گرفت و آخرین کاوش را هم دکتر علی‌اکبر سرفراز در سال ۱۳۸۴ انجام داد که در آن سال چیز زیادی از گورستان باقی نمانده بود و آخرین نفس‌های خود را می‌کشید که توسط شهرداری به بهانه فضای سبز به‌کلی نابود شده بود.

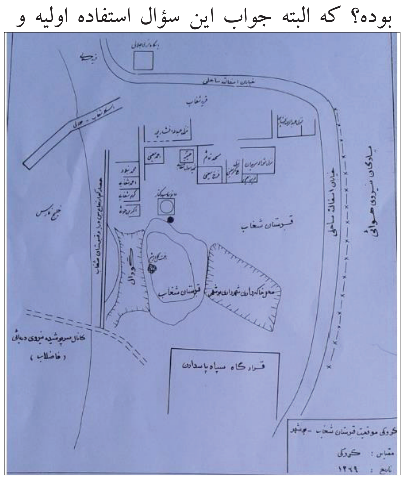
برای تعیین قدمت یک اثر باستانی مثل گورستان دو راه وجود دارد یکی براساس آزمایش به صورت‌های مختلف از جمله کربن ۱۴ و دومی مقایسه اشیاء پیدا شده با نمونه‌های مشابه در جاهای دیگر که تعیین قدمت شده‌اند که البته اگر در این نوع آثار مدارکی چون لوح و مهر و آثار کتبی وجود نداشته باشد یا به دست نیامده باشد. در گورستان شغاب هم به علت نبود نمونه‌های آزمایشگاهی از طریق مقایسه می‌توانیم قدمت آن را تعیین کنیم که این نوع تاریخ‌گذاری نسبت به مورد آزمایشگاهی قطعیت کمتری دارد.

ازآنجایی‌که در زمان امپراتوری پارت‌ها در دورهٔ مهرداد اول (۱۴۰ ق م) خوزستان، خلیج‌فارس و بابل در بین‌النهرین در تصرف این حکومت بوده و شهرهایی که در کنار دریا بوده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند به علت این که رکن اصلی تولید و اقتصاد این امپراتوری بازرگانی و تجارت بود و تأسیس شهرهایی چون پالیمر در سوریه و الحضر بر همین اساس بوده. از آن جایی‌که تا مدت‌ها حتی پس از تشکیل امپراتوری پارت‌ها ایالت پارس که تحت نفوذ امپراتوری پارس‌ها بود تقریباً استقلال خود را حفظ کرد. و این شیوه از تدفین زرتشتی می‌توانسته تا پایان دورهٔ پارت‌ها ادامه داشته باشد. یعنی مستقل از شیوه‌های تدفین در سایر ایالت‌ها و شاید سکه‌های پارس هم رواج خود را حفظ کرده باشد. چون در دورهٔ پارت‌ها ساتراپ‌ها دارای استقلال داخلی بودند.

به شهادت افراد بومی منطقه و آقای یاحسینی نویسنده کتاب تاریخ شهر لیان (ص۳۰۶) که خود ایشان از شاهدان عینی بوده، در بسیاری از کوزه‌ها یا استودان‌ها بذر گیاه توله (tolah) که نام علمی آن مالواسیلوستریس است که در زبان عربی به نام خبازی می‌شناسند، به دست آمده است.

این گیاه در استان بوشهر به فراوانی می‌روید دورهٔ رشد این گیاه از آغاز مهر تا پایان اسفند می‌باشد و در نزد مردمان محلی از دیرباز دارای خواص بسیاری بوده است. با وجود بذر این گیاه در استودان‌ها این سؤال مطرح است آیا این گیاه در کنار کوزه‌ها رشد کرده و بعد به‌مرور بذر آنها وارد استودان‌ها شده است؟ اما با توجه به نوع خاک و شور بودن آب دریا و همچنین قیراندود بودن و بسته بودن در استودان‌ها این اتفاق غیرممکن است. اما با این واقعیت که یک‌یک گیاه یا حیوان... مثل مار، گوزن یا غیره در دوران‌های گذشته برخورد کرده‌ایم که جنبهٔ آیینی و تقدس پیدا کرده باشد. دربارهٔ اسم گیاه هم می‌توان چنین نتیجه گرفت. راستی چه ویژگی‌هایی در این آفریده‌ها وجود داشته که به این درجه از تقدس نزد مردمان می‌رسیده‌اند؟ جنبهٔ دارویی، فراوانی، کمیابی،.. .

با توجه به شباهت کوزه‌های گورستان شغاب با کوزه‌هایی که در بابل بین‌النهرین تولید می‌شده و مورد استفاده مردمان این سرزمین برای نگهداری روغن و مایعات بوده، آیا این کوزه‌ها وارداتی بوده؟ که البته جواب این سؤال استفاده اولیه و



ثانویه آن را توجیه نمی‌کند. البته این موضوع شباهت کوزه‌ها را می‌توان از زوایای مختلف بررسی کرد. می‌توانسته وارداتی باشد و برای استفاده روزمره زندگی به این منطقه می‌آورده‌اند و یا این که عده‌ای از مردم سرزمین بین‌النهرین به این مناطق مهاجرت کرده‌اند و شعبه‌ای در این مناطق ایجاد کرده‌اند برای تولید. همچنان که در دنیای امروز شعبه‌های مختلف تولیدی در سراسر دنیا ایجاد می‌شود و یا این که مردمان همین دیار به تقلید از کوزه‌های سرزمین بابل به تولید این نمونه از تولیدات می‌پرداخته‌اند که این موضوع هم امروزه رواج دارد. در سال‌های اخیر تعداد زیادی از همین کوزه‌ها در اطراف چغادک که در حدود ۲۰ کیلومتری بوشهر به‌دست‌آمده شاید با جستجوی بیشتر بتوان آثاری از کارگاه‌ها یا کوره‌ها را نمایان کرد. و همچنین در زیر آب در اطراف شهر بوشهر تعداد زیادی از این کوزه‌ها به‌دست‌آمده، معلوم نیست که آیا این منطقه در گذشته جزئی از ساحل بوده یا این که براثر غرق شدن کشتی حامل این کوزه‌هاست که در زیر آب رفته است (امیرخیز چایچی، ص ۸۱، ۱۳۸۴).

نکته مهم دربارهٔ یک گورستان به‌خصوص شغاب این است که در یک دورهٔ تاریخی چند شیوه تدفین صورت نمی‌گرفته است مثل امروز که مسیحیان و زرتشتیان و مسلمانان گورستان متعلق به خود را دارند. اما یک گورستان در دوره‌های مختلف می‌توانسته به‌عنوان قبرستان محل تدفین افراد مورداستفاده قرار گیرد. شاید برمی‌گردد به‌نوعی اعتقاد به تقدس گورستان‌ها و یا شاید هم مثل محلِ سکونت افراد یک نوع انضباط اجتماعی بوده. مثلاً در همین گورستان شغاب تا دورهٔ اسلامی تدفین صورت گرفته مقبرهٔ سید کنار نمونه‌ای از آن می‌باشد. یا مقبرهٔ امامزاده میرمحمد در کنار گورستان زرتشتیان قبل از اسلام در جزیرهٔ خارگ و همچنین مقبره پیر هداف در منطقهٔ توز دشتستان در کنار گورهای قبل از اسلام(اقتداری ص ۱۲۰، ۱۳۷۵)

در مورد فقر اشیاء در گورستان هم نمی‌توان گفت که در آن‌جا مردمی فقیر زندگی می‌کرده‌اند. اگر این‌طور است چرا در گورستان‌های پیش از تاریخ ما آثار فراوانی در گورها می‌یابیم و حتی مملو از آثار سفالی و غیره می‌باشند و حتی از مردم شغاب فقیرتر بودند اگر این‌طور است یعنی این مردمان آن‌قدر فقیر بوده‌اند که حتی یک ظرف سفالی هم برای تدفین نداشته‌اند که در کنار مرده خود قرار دهند؟ این موضوع نمی‌تواند صادق باشد می‌توان گفت با ظهور ادیان توحیدی بشر کم‌کم به این طرز تفکر رسید که این وسایل به درد انسان و سفر دوروردراز نمی‌خورد و اگر هم اشیائی در بعضی قبرها پیدا شده است شاید بتوان با امروز مقایسه کرد به دلیل اهداف شخصی باشد مثلاً مهر یا وسیله متبرکی در قبر قرار می‌دهند. با توجه به گستردگی و پراکندگی گور خمره‌های سفالی و سنگی در بوشهر که در مناطقی ازجمله شغاب محوطه فرهنگیان باغ زهرا... وجود دارد.

دو فرضیه در ذهن به وجود می‌آید. اول این که ما این گورستان‌ها را یک مجموعه عظیم حساب کنیم بدون توجه ساخت‌وسازهای امروز و حدود آن را وسعتی به بزرگی همه گورستان‌ها در نظر بگیریم و با توجه به قرار گرفتن شهر باستان لیان در آنجا بگوییم این قبرستان بزرگ محل دفن افرادی است که در این شهر زندگی می‌کرده‌اند. که با توجه به جمعیت و واقعیت دنیای آن روزها دور از واقعیت است مگر در آن دوران جمعیت ایران و همچنین شهر لیان چقدر بوده که می‌توانسته گورستانی به این بزرگی داشته باشد؟ و اما فرضیه دوم با توجه به آثار و شواهد به‌دست‌آمده در جبهه شمالی گورستان مبنی بر منطقه‌ای مسکونی می‌توان به قطع یقین گفت که در کنار هر گورستان یک منطقه مسکونی وجود داشته است که بیشتر آنها به علت استفاده از مصالح محلی و ضعیف با گذشت زمان اثری از آنها باقی نمانده است. و اگر شهر لیان که امروز بقایایی از آن باقی‌مانده به علت مرکزیت تجاری، سیاسی و مصالح مقاوم آن می‌باشد و این موضوع را می‌توانیم به کل ایران نسبت دهیم و بگوییم قطعاً امپراتوری بزرگ ایران درگذشته به همین آثاری که امروز باقی‌مانده خلاصه نمی‌شود و شامل مردمان غیور و بافرهنگ زیادی بوده که بسیاری از ساخت‌وسازهای آنها به علت دوام کم نتوانسته در مقابل ناملایمات دوام بیاورد و امروز اثری از آنها نیست.

منابع:

– چایچی امیرخیز– احمد (۱۳۸۴) گورخمره‌های ایران، تهران: انتشارات سمیرا، صص ۵۴–۸۱

– رهبر– مهدی (۱۳۷۷) گمانه‌زنی در گورستان شغاب، بوشهر: انتشارات میراث فرهنگی، صص ۳۵–۳۴–۳.

–کنین–عبدالحسین (۱۳۹۱)، جغرافیای استان بوشهر (با تأکید بر جزیرهٔ بوشهر) تهران: انتشارات طلوع، صص ۱۸–۱۲.

–یاحسینی– سیدقاسم (۱۳۸۷) ، تاریخ شهر لیان انتشارات صحیفه فرد. صص ۲۰۷–۲۰۶– ۲۷.

–سرفراز– علی اکبر (تعیین حریم گورستان شغاب) (۱۳۸۴). صص ۲۰۵–۲۰۰.

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر

تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول وسردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان



مردم برازجان از داور شهرشان دلجویی کردند



به گزارش آفتاب بامدادان، در پی شکستن شیشه درب منزل محمدحسین زاهدی فر و استوری گلایه آمیز او، به همت عبدالرسول استادزاده داور پیشکسوت و رئیس کمیته داوران شهرستان دشتستان و با حضور جمعی از ورزشکاران و شهروندان برازجانی، مراسم گلباران خانه داور برازجانی و دلجویی از او، از مقابل شهرداری برازجان تا منزل زاهدی فرد برگزار شد.



مشق عشق معلم بازنشسته گناوه‌ای با اهدای عضو

ایسنا/بوشهر: رئیس مرکز فراهم آوری اعضای پیوندی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر گفت: معلم بازنشسته گناوه‌ای با اهدای عضو ناجی سه بیمار نیازمند به عضو شد.علیرضا باقری اظهار کرد: این بانوی فرهنگی به نام خیری رضایی که به دنبال ICH خونریزی مغزی به بیمارستان نمازی شیراز اعزام شده بود با تأیید مرگ مغزی و با رضایت خانواده نوع‌دوستش به بیمارستان ابوعلی سینا منتقل شد.
وی خاطرنشان کرد: هر ۲ کلیه و کبد معلم بازنشسته گناوه‌ای در بیمارستان ابوعلی سینا برای پیوند به نیازمندان برداشت شد.

حساسیت بالای تغییر سن بازنشستگی

عباس اورنگ، کارشناس تامین اجتماعی گفته است که حوزه صندوق‌های بازنشستگی حوزه‌ای است که روابط مردم و حاکمیت آنجا تجلی می‌یابد؛ این روابط باید محکم‌تر، عادلانه‌تر، مشارکتی‌تر و همراه با وفای به عهود و عقود باشد تا اعتماد مردم به ساختار کشور لطمه نبیند. او گفته است: «در فصل چهارم برنامه هفتم توسعه در بحث صندوق‌های بازنشستگی، موارد قابل‌توجهی درخصوص اصلاح ساختار مالی صندوق‌ها آمده؛ ازیک‌طرف سابقه بازنشستگی افزایش یافته و ازطرف‌دیگر، مبنای محاسبه مستمری را از دوسال به پنج‌سال افزایش داده‌اند و موجب شده‌اند میزان مستمری پرداختی به‌میزان قابل‌توجهی کاهش یابد. در ماده ۶۵، بحث افزایش نرخ حق بیمه کارگران مطرح شده است؛ چند نکته در این تغییرات قابل طرح است؛ اول اینکه دولت پی برده صندوق‌های بازنشستگی دچار مشکلات مالی هستند و باید تدبیری برای اصلاحات اندیشیده شود؛ ولی احساس می‌شود که باید حساسیت بیشتری نسبت به موضوع اصلاحات در صندوق‌های بازنشستگی وجود داشته باشد.»

مسابقات داغ محلات در بوشهر

محمود قدسی

زمین‌های خاکی و سنگلاخی محلات سنگی، شکری، جفره علیباش، باغ ملا ، لیل و بهمنی و زمین‌های سبخی جفره ماهینی، صلح آباد و جبری در بندر بوشهر، هر هفته شاهد مسابقه دوستانه بین دو محل دور یا نزدیک بود. مسابقاتی که ستون فوتبال بوشهر بودند. اما در میان این مسابقات دوستانه، چندین مسابقه رقابتی نیز بین محلات بود که یک ماهی در تابستان گرم و شرجی زده بوشهر جوانان را سر گرم و به رقابتی سالم و جانانه مشغول می کرد. یکی از این رقابت ها جام شکری بود. جامی که به همت بچه های محله شکری و بخصوص محمد صغیری برگزار می‌شد. زمین شکری بین خانه حمزه بیان از شمال و قبرستان و کاروانسرای شکری از جنوب، از غرب خیابان بهشت را هم شامل می‌شد. زمینی احاطه شده از درختان بابل با گلهای زرد خوشبو از شرق به غرب. زمینی که در کوران انقلاب چندین بار محل سخنرانی و تجمع مردم نیز بود.

سال ۱۳۵۱ اولین دوره جام شکری برگزار شد، شش تیم در دو گروه سه تیمی در این دوره شرکت داشتند. در گروه یک امید سنگی، شاهین بن مانع (در آن سال ها نام شاهین توسط حکومت برای تیم های شاهین در سراسر ایران ممنوع شد و شاهین بوشهر به تابان تغییر نام داد، بچه های بن مانع اسم تیمشان شاهین گذاشتند.) و در گروه دو تیم گسار از محله جبری، تیم رئیس علی دلواری از محله شکری، ساسان از محله ترکها و یک تیم از ظلم آباد (صلح آباد فعلی). از گروه یک امید و شاهین بن مانع و از گروه دو رئیس علی و ساسان به دور بعد راه یافتند . امید سنگی و شاهین بن مانع به فینال رسیدند و در یک بازی نفس‌گیر به داوری زنده یاد حمید فقیه داور رسمی بوشهر بازی با نتیجه چهار به سه به نفع امید تمام شد و امید قهرمان دوره اول مسابقات شد.

دور دوم با شرکت هشت تیم در دو گروه چهار تیمی برگزار شد و نهایتا تیم امید از سنگی و رئیس علی از شکری به فینال رسیدند. در فینال امید سنگی با نتیجه دو بر یک برای بار دوم قهرمان شد.تیم رئیس علی محله شکری که اکثرا طرفدار تیم شاهین بودند و از بازیکنان مطرحی مثل محمود ابراهیم زاده و محمد صغیری، عباس احمدی که بازیکنان آن روزهای تیم شاهین بودند، و همچنین از بازیکنانی چون زنده یاد علی مصلح، رضا جفره و رضا عبدالله‌زاده نیز به عنوان بازیکن تقویتی استفاده می کرد که همگی بازیکنان اصلی آن روزهای شاهین بودند.

تیم امید که اکثرا طرفدار ایرانجوان بودند نیز از علی (غلامرضا) احمدی، محسن هاشمی، محمد رضا بنده امیری، محمود قدسی که از بازیکنان بزرگسال و جوانان آن روزهای ایرانجوان و همچنین برادران کاوییان مجید و حمید و اردشیر محمدی که در محله سنگی ساکن بود از تیم شاهین و دو بازیکن تقویتی از پاس، پرویز تأمینی و علی احمدی استفاده می کرد. این بازی به نوعی فینال بین ایرانجوان و شاهین بود.



عکس اهداء جام دور دوم: زنده یاد ابراهیم سملیان مربی، محمود قدسی، محمد رضا بنده امیری، محسن هاشمی،کریم کاوییان از امید. رصا عبدالله زاده و رضا جفره از تیم رئیس دلواری در تصویر دیده می‌شوند.

تماشاگران زیادی از این بازی ها استقبال می‌کردندکه به صورت ایستاده بازی را تماشا می کردند. بزرگان فوتبال آن روزهای بوشهر ،زنده یادان اکبر کبگانی،پوربهی،غلام بوالخیری،مجید چاهیبخش و پیر فوتبال بوشهر محمدعلی درویشی و دیگر بزرگان فوتبال بوشهر از این بازی ها و بخصوص این فینال زیبا دیدن کردند.

منطقه ویژه ۷۰ درصد هزینه ساخت بیمارستان عسلویه را پرداخت می کند

ایسنا/بوشهر: معاون دادستان کل کشور گفت: سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس آمادگی پرداخت ۷۰ درصد هزینه‌های ساخت بیمارستان جدید عسلویه را دارد.
غلامعباس ترکی در جلسه شورای اداری شهرستان عسلویه گفت: مدیرعامل سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس آمادگی خود جهت پرداخت ۷۰ درصد هزینه‌های ساخت بیمارستان را اعلام کرده است.
وی افزود در جلسه با مدیرعامل سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس یکی از موضوعات و مطالبات مورد اشاره در جهت تحقق حقوق عامه، احداث و راه اندازی بیمارستان دولتی و جدید در شهرستان عسلویه بود که در این جلسه مدیرعامل سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس متعهد شد در صورت اعطاء مجوز دانشگاه علوم پزشکی بوشهر جهت احداث و راه اندازی بیمارستان ۱۱۰ تختخوابی عسلویه، این سازمان آمادگی پرداخت ۷۰ درصد هزینه‌ها را دارد.

پروژه بزرگراه سرتل - تنگک آماده افتتاح شد

ایسنا/بوشهر شهردار بندر بوشهر گفت: پروژه بزرگراه سرتل - تنگک مزین بنام شهید بیژن گرد به عنوان یکی از مطالبات جدی محلات جنوبی بوشهر آماده افتتاح شد.
حسین حیدری اظهار کرد: بزرگراه سرتل - تنگک در ۲ قطعه و به طول ۳.۳ کیلومتر اجرایی شده که ۷۰۰ متر ابتدایی آن به عرض ۲۶ متر و عرض مابقی گذر براساس طرح تفصیلی ۴۲ متر است.
وی بیان کرد: طول ۲.۶۰۰ متر از گذر که با عرض ۴۲ متر صورت گرفته، شامل ۲۷.۴ متر سواره‌رو، ۸ متر پیاده‌رو، ۳ متر رفیوژ میانی و ۱.۶۰ متر کانال دفع آب‌های سطحی است.
شهردار بندر بوشهر تصریح کرد: عملیات اجرایی بزرگراه سرتل به تنگک در دو قطعه به‌ترتیب در آبان و بهمن‌ماه سال ۱۴۰۰ آغاز و در مجموع با ۶۷ میلیارد تومان اعتبار احداث شد که براساس برنامه در چهارشنبه هفته جاری راس ساعت ۲۰در میدان واقع در بزرگراه مورد بهره‌برداری قرار می گیرد.

پرداخت مالیات برای بخشی از مشاغل بوشهری رایگان شد

مدیرکل امور مالیاتی استان بوشهر گفت: تمامی صاحبان مشاغلی که مجموع فروش کالا و یا ارائه خدمات آن ها در سال ۱۴۰۱، کمتر از ۶۷ میلیارد و و ۲۰۰ میلیون ریال باشد از پرداخت مالیات معاف هستند .
محمدجواد رستمی در گفت‌وگو با ایرنا اظهار کرد: تمامی صاحبان مشاغلی که مجموع فروش کالا و یا ارائه خدمات آن ها در سال گذشته ، ۶۷ میلیارد و و ۲۰۰ میلیون ریال بوده و فرم مالیات مقطوع برای آن ها در درگاه خدمات الکترونیک سازمان بارگذاری شده است، قادر به استفاده از تسهیلات تبصره ماده ۱۰۰ قانون مالیات های مستقیم هستند.
وی افزود: این صاحبان مشاغل از نگهداری اسناد و مدارک موضوع قانون مالیات های مستقیم و ارائه اظهارنامه مالیاتی برای عملکرد مذکور معاف هستند.
مدیرکل امور مالیاتی استان بوشهر تصریح کرد: مودیانی که میزان فروش کالا و ارائه خدمات آنها در سال ۱۴۰۱ بیش از ۶۷ میلیارد و ۲۰۰ میلیون ریال بوده، مشمول استفاده از تسهیلات ماده ۱۰۰ نمی شوند و مکلف به ارائه اظهارنامه هستند.
رستمی بیان کرد: گروه دیگر مودیان که مشمول استفاده از این دستورالعمل نمی شوند، صاحبان مشاغلی هستند که در اجرای جزء (۲) بند (ز) تبصره (۶) قانون بودجه ۱۴۰۱ کل کشور، مکلف به استفاده از پایانه های فروشگاهی بوده و با توجه به اطلاعات دریافتی، نسبت به نصب آن اقدام نکرده‌اند. همچنین مواردی که بر اساس اطلاعات واصله از سامانه سوت زنی، نسبت به استفاده از پایانه های فروشگاهی اقدام نکرده‌اند نیز مشول استفاده از دستورالعمل فوق نمی‌شوند.
مدیرکل امور مالیاتی استان بوشهر سومین گروهی که شامل استفاده از تبصره ۱۰۰ قانون مالیات های مستقیم نمی شوند را صاحبان مشاغلی عنوان کرد که برای آن ها فرم موضوع تبصره ماده ۱۰۰ قانون مالیات های مستقیم در درگاه خدمات الکترونیکی سازمان امور مالیاتی قرار داده نشده است.
رستمی یادآور شد: مالیات آن دسته از صاحبان مشاغلی که امکان پرداخت مالیات مقطوع خود را ندارند، حداکثر تا چهار ماه به صورت مساوی امکان تقسیط دارد و پرداخت‌نکردن مالیات در موعد مقرر مشمول جریمه موضوع ماده (۱۹۰) قانون مالیات های مستقیم می‌شود. مهلت ارائه اظهارنامه مالیاتی و یا استفاده از تسهیلات ماده ۱۰۰ قانون مالیات های مستقیم عملکرد ۱۴۰۱ تا پایان خرداد ماه است.